

آن که مرد و بد بود، در کشور ما کی بود؟

بعد از استراحت روزانه، طبق معمول، ساعت چهار و نیم عصر سری به چند سایت انترنتی، از جمله صفحه انترنتی بی بی سی فارسی زدم.

خبر مرگ قسیم فهیم در صدر اخبار بی بی سی توجهی مرا جلب کرد. بعد از خواندن آن خبر، لباس هایم را پوشیده به منزل یکی از دوستانی که در نزدیکی خانه ما زندگی می کند و می شود از طریق دستگاه کوچکی که دارد برخی از کانال های تلویزیونی افغانی را گرفت، رفتم.

تلویزیون را روشن نموده به جستجوی کانالی شدم که بتواند در این مورد خبر بیشتری ارائه کند. از خبر اثری نبود، اما در تلویزیون طلوع نیوز میزگردی دائر بود که افرادی چند در اثر تقاضای مدیر میزگرد در مورد زندگی خصوصی و عمومی، جهاد و کار، شخصیت و اخلاق، و بالاخره وطن دوستی و تأثیرات وی در ارتباط با زندگی سیاسی و آینده جمعیت - شورای نظار و مسائل افغانستان نظریات شان را ارائه می کردند.

اولین چیزی که در این میزگرد توجه مرا جلب کرد، این نکته بود که تلویزیون طلوع هدفمند و هوشمندانه قصد آن را داشت که افکار عامه را در جهتی سوق بدهد که جنبه های منفی کار ها و زندگی قسیم فهیم، هم در زندگی قبل از به اصطلاح جهاد وی و هم در ایامی که جهاد نامیده شده است، از انظار عامه پوشیده بماند. به زبان عریان تر تلویزیون تلاش داشته است که همه واقیعت ها در مورد یک انسان، که نمی تواند سراسر خوب باشد، گفته نشود؛ و برخی نظریات در پرده نگهداشته شوند. چرا که تمام افرادی که در میزگرد ساعت 9 شب 9.3.2014 تلویزیون طلوع نیوز، به وقت افغانستان، و میز گرد بعد از آن جمع شده بودند، اشخاصی بودند که از دوستان و همگان و همکاران و همقطاران و همپیمانان حزبی و مردمان محل تولد وی بودند و غیر از تعریف و قهرمان سازی و... چیزی برای گفتن نداشتند؛ بدون این که لحظه ای به این امر مسلم درنگ کنند که آیا امکان آن وجود دارد که انسانی 56 سال بدون کم و کسر و نقص زندگی کند؟ انور جگدلک، برمک، یاسین یا یاسینی، کلکانی، واقف حکیمی، اوریاخل و دو یا سه نفر دیگری که نام های شان بخاطرمانده است؛ و سالنگی، قوماندان پولیس یا والی پروان، که تلفونی با وی صحبت شد و مدیر برنامه نظر وی را در مورد شخصیت قسیم فهیم جویا گردید، کسانی بودند که از طرف تلویزیون برای ارائه نظر در باب قسیم فهیم دعوت شده بودند. در حالیکه مراجعه به افکار عمومی، برای کسب نظریات عامه در موردی، ایجاب آن را می کند که یک رسانه همگانی، یک دستگاه خبرپراگنی، به موافق و مخالف یک فرد، یک گروه یا یک حرکت و تنظیم و حزب و دولت مراجعه کند و نظریات همه، از هر حزب و مکتب و اعتقاد و باور، را بدون کم و کاست و به شکل غیر جانب دارانه به مردم انتقال بدهد.

نوع برخورد خاص تلویزیون طلوع در مورد قسیم فهیم، متأسفانه شکل تبلیغاتی داشت، که از انتظار به دور بود. اگرچه مخالفین متوفا هم در چنین شرایط بنابر دلایلی که در زیر

بیان می شود، نمی توانستند یا بهتر بگویم نمی خواستند آنچه را که می باید می گفتند، بگویند.

این دلایل عبارت اند از:

1- خصلت جامعه ما، بدبختانه، چنان است که کسی - به مصداق این سخن " که در کشور ما مرده بد و زنده خوب را کسی ندیده است" - پشت سر مرده، حتی اگر مرده در زمان حیاتش آدم بدی هم بوده باشد، حرف بدی نمی زند.

می گویند: "معلمی از یکی از شاگردان خود سؤال کرد که سکندر چگونه انسانی بود؟" شاگرد بدون درنگ گفت: "معلم صاحب می دانم که سکندر چگونه انسانی بود، اما من نمی خواهم پشت سر مرده گپ بزنم. این کار اخلاقاً خوب نیست."

اخلاق جامعه ما سوگمندانۀ چنین است؛ و مخالفین قسیم فهمیم هم از این جامعه و این نوع افکار و اخلاق جدا و مستثنأ نیستند.

2- ساختار نظام و وضع جامعه ما چنان است که کمتر کسی جرأت گفتن واقعیت ها را در مورد اشخاصی مانند ربانی و دار و دسته وی، بشمول قسیم فهمیم، یا سیاف و مزاری و حکمتیار و دوستم و مجددی و غیره، که در جنگ های تنظیمی بعد از سقوط داکتر نجیب، آگاهانه و با قساوت تام و تمام دست به کشتار مردم و تخریب شهر ها زدند، بخصوص جنگ های میان حزب وحدت مزاری و اتحاد اسلامی سیاف به حمایت جمعیت - شورای نظار، دارد.

3- به تاسی از شیوه کار خبرگزاری های غربی، بسیاری از کار شناسان امور سیاسی کشور ما در چنین مواقع - که احساسات تا حدودی تخریش شده است - می کوشند با ادای احترام به افراد، حتی افرادی که مستحق احترام نیستند، و با عدم کاربرد زبان تند، کلمات صریح، و غالباً صحبت ها و نظریات چند پهلو، گاهی هم با زیرکی، جهت اصلی افکار شان را پنهان کنند.

بنابراین تلویزیون طلوع نیوز، حتی برای تظاهر هم اگر می شد، باید چند نفر از کسانی را به این دو میز گرد دعوت می کردند که در زمره مخالفین سیاسی یا فکری قسیم فهمیم قرار می داشتند. و با این کار از یک طرف به اعتبار خویش لطمه وارد نمی کردند، و از طرف دیگر افکار عمومی را در جهت درست و سودمند برای مردم و کشور، اگر در میان مدعوین کسی پیدا می شد که با جرأت واقعیت ها را ابراز می کرد، سوق می دادند.

تولید رضایت کاذب، و مطلوب را نامطلوب و نامطلوب را مطلوب نشان دادن، از طریق تبلیغات یک جهته و شکل دهی ذهنیت ها به کمک رسانه های گروهی، با استفاده از ترفند های روانشناسانه، و مطیع قدرت و ثروت و دیوان سالاری بودن، به نظر شخص من، کار بایسته ای نیست که تلویزیون طلوع نیوز بدان دست زد.